



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱ بهمن ۱۴۰۲

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: مجعول در باب امارات - ثمره عملی بحث - دو مقام در بحث - مقام اول: مصادف با: ۹ رجب ۱۴۴۵

مقام ثبوت - احتمالات پنج گانه

جلسه: ۶۸

سال پانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### مجعول در باب امارات

آخرین مطلبی که در بحث های مقدماتی امارات و ظنون باید به آن رسیدگی کنیم و اجمالاً آن را مطرح کنیم مربوط به مجعول در باب امارات است. البته این به عنوان یک مقدمه در این مقام و این موضع مطرح نشده است. مقدمات سه گانه ای که محقق خراسانی در این موضع مطرح کردند بیان شد. لکن اشاره به این مطلب آن هم به دنبال بحث گذشته خالی از فایده نیست.

گفتیم اصل اولی در باب امارات ظنیه عدم حجیت است. یک بخشی از مسائلی که در این رابطه مطرح شده و اشکالاتی که برخی نسبت به یکدیگر ایراد کرده اند به معنای حجیت و مجعول در باب امارات بر می گردد. این بحث در ادامه بحث جمع بین حکم واقعی و ظاهری مطرح شده منتهی ما این بحث را چون در گذشته بالا اشاره طرح و از آن فارغ شدیم اینجا یادآوری می شود، بخصوص اینکه برخی از ثمرات این بحث به این مسئله ما مرتبط است.

گفته شد که اصل اولی در باب امارات ظنیه عدم حجیت و عدم اعتبار است ولی به هر حال مواردی از دایره این اصل اولی خارج شدند که ما طی بحث های آینده یک به یک معلوم می کنیم کدام اماره ظنی معتبر دانسته شده است و کدام معتبر نیست مثلاً ظواهر اعم از ظواهر آیات و اخبار، خبر واحد، اجماع، اینها مثلاً معتبر هستند. اما برخی از امارات غیر علمیه اعتبار ندارند مثل شهرت، قیاس، استحسان.

اینکه بعضی از امارات ظنیه معتبر دانسته شدند یعنی چه؟ به بیان دیگر اینکه شارع اماره ای ظنی را معتبر قرار می دهد به چه معناست؟ آیا چیزی جعل می کند؟ آیا مجعولی دارد؟ یا خیر، اصلاً بحث دیگری است؟ اعتبار بخشیدن شارع به امارات ظنیه به چه معناست؟ از این تعبیر می کنند به مجعول شارع در امارات و اینکه آیا اساساً شارع مجعولی دارد یا ندارد؟ این صورت مسئله ما و ارتباطش با بحث گذشته است.

#### ثمره عملی بحث

حال در درجه اول باید ببینیم این بحث آیا ثمره عملی دارد یا صرفاً یک بحث علمی است. اینکه ما بدانیم امارات ظنیه مثل ظواهر یا خبر واحد از سوی شارع معتبر شده اند این چه فایده ای دارد؟ اینکه بدانیم مثلاً شارع با اعتبار بخشیدن به خبر واحد چیزی جعل می کند؟ وقتی می گوید مثلاً فانهم حجتی علیکم، یا صدق العادل، خبر عادل را تصدیق کن، یا به خبر زراره به عنوان ثقه ترتیب اثر بده، آیا اینجا این معنا و مفهوم خاصی دارد؟ یعنی دارد چیزی را برای ما جعل می کند و حکمی قرار می دهد یا دارد کار دیگری انجام می دهد؟ این چه ثمره ای دارد؟ چند ثمره برای این بحث می توانیم بیان کنیم، حداقل در سه مسئله ثمره عملی دارد:

## ۱. مسئله قیام امارات، مقام قطع

اگر خاطرتان باشد این را اوائل بحث امسال طرح کردیم که آیا امارات می‌توانند جانشین قطع شوند؟ ما این را جداگانه هم در قطع طریقی و هم در قطع موضوعی بررسی کردیم. یکی از جهات اثر گذار در آن بحث این بود که ما حجیت امارات را به چه معنا بدانیم یا به بیان دیگر مجعول در باب امارات را چه چیزی بدانیم؟ آیا اساسا امارات وقتی معتبر می‌شوند، از ناحیه شارع یعنی چیزی جعل می‌شود یا نه اصلا پای مجعول در میان نیست.

## ۲. مسئله اجزاء

آیا ما مثلا اگر به مفاد یک خبر عمل کردیم، آن وقت این مجزی از واقع است یا خیر؟ در بحث از اجزاء حکم مستفاد از امارات ظنیه معتبره از واقع، این مسئله تأثیر گذار است که ما مجعول در باب امارات را چه بدانیم؟ بگوییم مجعولش مثلا حجیت است یا منجزیت و معذرت است یا بگوییم اساسا مجعولی در کار نیست. احتمالاتی اینجا وجود دارد که عرض خواهیم کرد.

## ۳. نسبت بین امارات و اصول عملیه

اینکه آیا امارات بر اصول عملیه حاکم هستند یا وارد؟ نسبتشان نسبت حکومت است یا ورود؟ آنجا برای اینکه به این سوال پاسخ داده شود این مبنا خیلی مهم است که ما مجعول در باب امارات را چه بدانیم. لذا بحث از مجعول در امارات ظنیه و اینکه چه چیزی جعل شده است و آیا اساسا چیزی جعل شده است یا خیر؟ یک بحثی است که ثمره عملی دارد و چه بسا در غیر این سه موضع نیز نتیجه دارد.

حال بیاییم سر اصل مسئله. اینجا نظیر همین بحث در اصول عملیه نیز مطرح است که آیا شارع در اصول عملیه چیزی جعل می‌کند؟ یعنی مثلا وقتی می‌گوید در شک در تکلیف شما براءت جاری کنید، قبح عقاب بلا بیان هر گونه تکلیفی را از مکلف در شبهات بدویه نفی می‌کند یا مثلا براءت شرعی رفع ما لا یعلمون، هر گونه تکلیفی را از دوش مکلف در موارد شبهه بر می‌دارد آیا اینجا از طرف شارع بر طبق مفاد این اصل چیزی جعل می‌شود؟ یا نه، اصلا صحبت از جعل یک حکمی مطابق مفاد با اصل عملی نیست. آنجا نیز این بحث مطرح است. منتهی چون ما بحثمان از امارات است، فعلا کاری به مجعول در باب اصول عملیه نداریم. آنجا نیز بحث کردند که اصول عملیه بر دو قسم است، اصول محرزه مثل استصحاب و اصول غیر محرزه، مثل براءت. ما آن را فعلا کنار می‌گذاریم و عمدتا درباره مجعول در امارات ظنیه بحث می‌کنیم.

## دو مقام در بحث

این مسئله در دو مقام قابل بحث است. یعنی بحث از مجعول در باب امارات دو مقام قابل طرح است: ۱. مقام ثبوت؛ ۲. مقام اثبات. منظور از مقام ثبوت یعنی به حسب امکان با قطع نظر از ادله چه احتمالات و فروضی را می‌توانیم اینجا در نظر بگیریم؟ اصلا صرف نظر از اینکه قائلی دارد یا خیر؟ فروض ممکنه و قابل تصور در باب مجعول در امارات چیست؟

منظور از مقام اثبات نیز یعنی آنچه از ظواهر ادله حجیت امارات به دست می‌آید. ادله حجیت امارات چه اقتضایی دارد؟ آیا آنها مثلا دلالت می‌کند بر اینکه شارع حجیت را جعل می‌کند یا منجزیت و معذرت را جعل می‌کند یا نه اساسا دلالت می‌کند به اینکه شارع چیزی را جعل نمی‌کند بلکه آنچه نزد عقلاء جریان دارد را تأیید و امضاء می‌کند.

## ۱. مقام ثبوت

مقام اول بحث از احتمالات در باب مجعول در امارات است. می‌خواهیم ببینیم چند احتمال اینجا قابل تصور است.

### احتمالات پنج‌گانه

در یک تقسیم کلی دو احتمال بیشتر وجود ندارد:

**الف.** شارع در باب امارات اساساً چیزی جعل نکرده است. یعنی مجعولی ندارد. حکمی نه تکلیفی و نه وضعی جعل نکرده است، در همه مواردی که اماره‌ای از نظر شارع معتبر شمرده شده، هیچ حکمی در آن جعل نکرده است بلکه تنها آنچه که نزد عقلاء جاری و ساری بوده است را امضاء و تأیید کرده است، مثل بنای عقلاء در عمل به خبر واحد، عقلاء به خبر واحد ثقه ترتیب اثر می‌دهند، شارع نیز این بنای عقلاء را امضاء و تأیید کرده است، از آن منع نکرده است. امضای شارع غیر از جعل یک حکم تکلیفی یا وضعی است. پس شارع یک حکم جعل نکرده است. نه چیزی به نام وجوب عمل به خبر ثقه جعل کرده است و نه چیزی به نام حجیت بلکه تنها این روش و سیره عملی عقلاء را امضاء کرده است.

البته ممکن است همین جا بگوییم خود امضاء نیز یک جعل است زیرا ربما قیل یا یقال که ما نیز این را قبول داریم که جعل بر دو قسم است: ۱. جعل تأسیسی؛ ۲. جعل امضایی. بر این اساس ممکن است کسی بگوید همین که شارع سیره و روش عقلاء را در اخذ به خبر ثقه امضاء کرده، این خودش نوعی جعل است منتهی جعل امضایی نه جعل تأسیسی. اگر این را بگوییم اساساً اینکه بگوییم یک احتمال این است که شارع جعلی نداشته باشد کنار می‌رود اینکه ما گفتیم به طور کلی یک احتمال این است که شارع در باب امارات مجعولی نداشته باشد منظورمان جعل تأسیسی بود که یک حکم تکلیفی یا وضعی را جعل کند و الا امضاء که حداقل باید باشد. بدیهی است به این معنا به طور کلی فرض عدم جعل کنار می‌رود.

**ب.** اگر بگوییم شارع در باب امارات مجعول دارد، یعنی چیزی جعل کرده و منظور از جعل نیز جعل تأسیسی است یعنی شارع یک حکمی را جعل کرده است. اینجا چند احتمال قابل تصویر است حداقل چهار احتمال:

۱. مجعول در باب امارات منجزیت و معذرت است. همان که محقق خراسانی گفتند. می‌گوید شارع در باب امارات یک چیزی را جعل کرده است به نام منجزیت، منجزیت یعنی اگر خبر یا دلیل مطابق با واقع در آمد این واقع را برای ما منجز و قطعی می‌کند. یعنی بر موافقتش استحقاق ثواب و بر مخالفتش استحقاق عقاب مترتب می‌شود. این معنای منجزیت است. معنای معذرت یعنی در صورتی که مفاد خبر یا دلیل مطابق واقع نبود این برای ما عذر درست می‌کند. پس آنچه که شارع جعل کرده، منجزیت و معذرت است به معنایی که بیان شد، می‌گوید شارع این را جعل کرده است، اینکه امارات را معتبر دانسته است یعنی این، اینکه شارع اماره‌ای را معتبر بداند یعنی آن را منجز و معذر قرار بدهد.

۲. در باب امارات طریقی و کاشفیت جعل می‌شود به عبارت دقیق تر کاشفیت ناقصه و طریقی ناقصه تبدیل می‌شود به کاشفیت تام و طریقی تامه. پس طبق احتمال دوم که محقق نایینی به آن متلزم شده، مجعول در باب امارات عبارت از تنمیم کاشفیت، تنمیم طریقی است. یعنی یک کاشف و طریق ناقص را تبدیل می‌کند به کاشف تام و طریق تام.

۳. اساساً شارع خود حجیت را مجعول قرار می‌دهد، یعنی آنچه که شارع معتبر می‌کند در امارات، حجیت به معنای لغوی آن است. شارع می‌گوید خبر واحد معتبر است، یعنی من این را حجت قرار می‌دهم.

سوال:

استاد: مجعول را تفسیر می‌کنیم نه حجیت را، یعنی شارع چه چیزی را جعل می‌کند؛ بحث در مجعول است. بحث در این است که مجعول در باب امارات چیست؟ یکی می‌گوید معذرت و منجزیت، یک می‌گوید حجیت و یکی می‌گوید طریقت، متمیم طریقت

...

سوال:

استاد: محقق اصفهانی می‌گوید ما یحتج به العبد علی المولی و بالعکس، خود حجیت، همین معنای متعارف؛ آنچه که عبد با آن می‌تواند بر علیه مولا احتجاج کند و بالعکس و آنچه که مولا می‌تواند با آن علیه عبد احتجاج کند. یعنی اگر روز قیامت بنده‌ای از آن سرپیچی کرده بود خدا با آن بتواند او را مؤاخذه کند. و اگر یک روزی خداوند او را مؤاخذه کرد او بتواند با آن با خدا احتجاج کند و بگوید خودتان گفتید به خبر زراره عمل کن و من نیز عمل کردم. می‌گوید حجیت یعنی به همین معنای متعارفش.

۴. شارع جعل مؤدا می‌کند. مجعول در باب امارات مؤدا است یعنی آن چیزی که این اماره بر آن دلالت می‌کند. مثلاً خبر زراره قائم شده بر و خوب نماز جمعه و عین همین را شارع جعل می‌کند، جعل مؤدای اماره، آنچه که شارع جعل می‌کند این است، حال هر چیزی می‌خواهد باشد.

#### بحث جلسه آینده

اینها احتمالاتی است که به حسب مقام ثبوت اینجا قابل ذکر است اما اینکه کدام یک از اینها قابل قبول است، آنچه محقق خراسانی گفتند، آنچه محقق نایینی گفته و یا آنچه شیخ انصاری گفته است یا آنچه محقق اصفهانی گفته است، یا آنچه که امام خمینی گفته و ما نیز همین را اختیار کردیم که اصلاً ما در باب امارات مجعول نداریم.

«والحمد لله رب العالمین»